

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۶/۱۷

تاریخ تصویب مقاله: ۹۶/۷/۱۹

## بررسی مفهوم سروش در متون اوستایی و پهلوی

میترا آفا محمد حسنی<sup>۱</sup>، دکتر فاطمه لاجوردی<sup>۲</sup>

### چکیده:

سروش از مهمترین ایزدان دین زردشتی است. این ایزد در سلسله مراتب ایزدان دین زردشتی جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده، و از معدود ایزدانی است که نام او در سرودهای گاهانی آمده است. آنچه که در این پژوهش بدان پرداخته می‌شود، یافتن پرسشی برای این مساله است که ارتباط سروش با ایزدان دیگر زردشتی چیست؟ این ایزد در گاهان و متون دیگر اوستایی و پهلوی چه جایگاهی دارد؟ و خویشکاری او در وقایع مربوط به پس از مرگ انسان چیست؟ سروش در متون اوستایی و پهلوی ایزد اطاعت، فرمانبرداری و انضباط در دین مزدایی است؛ او پیام الهی را می‌شنود و از آن اطاعت می‌کند؛ او همواره بیدار است و مردمان را از آسیبهای اهریمن و دیوان محافظت می‌کند. این ایزد همچنین در انتقال روح انسان به جهان پس از مرگ، با دو ایزد میترا و رشن همکاری می‌کند. روش این پژوهش کتابخانه‌ای، و با تکیه بر متون اوستایی و پهلوی است.

**واژگان کلیدی:** روش، میترا، اهریمن، گاهان، ایزدان زردشتی.

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری ادیان و عرفان تطبیقی در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

Email: mitrahassani6@yahoo.com

Email: flajevardi@srbiau.ac.ir

<sup>۲</sup> - عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

**مقدمه:**

سروش یکی از مهمترین ایزدان دین زردشتی است. این واژه که در اوستای گاهانی به صورت *səraoša*، در اوستای متاخر به صورت *sraoša* و در فارسی میانه به صورت *srōš* آمده است، از ریشه *-sraw* یا *-sru* به معنی «شنیدن» یا «پذیرفتن و اطاعت کردن» و به عبارت دیگر «شنیدن و فرمانبرداری» است (Malandra, npn). او فرامین خداوند را می‌شنود؛ این فرامین را به مردم ابلاغ می‌کند و از آنها می‌خواهد که در فرمانبرداری از پیام و آموزه های او بکوشند (Modi, 1979 : 434). به بیان دیگر، سروش نیرویی است که انسان از طریق آن به کلام خداوند گوش فرا می‌دهد و سر به اطاعت از آن می‌سپارد. سروش همچنین نظمی است که لازمه چنین اطاعتی تلقی می‌شود. افزون بر این، ایزد سروش به عنوان گوش شنوای اهوره مزدا، فریادهای مردمی را که توسط دیوان گمراه شده‌اند و نیز صدای آنانی را که همانند دیوان می‌اندیشند، می‌شنود و برای پیکار با دیوان به زمین می‌آید. بدین ترتیب، سروش به عنوان یک ایزد مستقل، حامل کلام الهی و همچنین سرکوب کننده دیوان و همه کسانی است که آگاهانه از شنیدن و فرمانبرداری از کلام الهی سر باز می‌زنند (Zaehner, 1955: 94-95).

**سروش در گاهان:**

سروش در میان ایزدان دیگر زردشتی از جایگاه قابل ملاحظه‌ای برخوردار است؛ چنان که می‌توان او را یکی از معدود ایزدانی دانست که در گاهان از او نام برده شده است. این ایزد افزون بر گاهان در *اوستای متاخر* نیز دارای مقامی بلند است؛ تا آنجا که دو سرود از سرودهای مهم اوستایی به او اختصاص یافته و یسن های سوم تا هشتم به نام او «سروش درون» نامیده شده است. علاوه بر این سرودها «سروش باژ» نیز در مجموعه خرده اوستا به این ایزدکهن منسوب است که خود بیانگر جایگاه مهم او در باورهای دینی عامه زرتشتیان و آیینهای دینی آنهاست (راشد محصل، ۱۳۸۲: ۸).

نام سروش ۷ بار در گاهان - در یسنه هات ۲۸ بند ۵، هات ۳۵ بندهای ۵ و ۱۴، هات ۴۳ بند ۱۲، هات ۴۴ بند ۱۶، هات ۴۵ بند ۵ و هات ۴۶ بند ۱۷ - آمده است

(Kreynebroek, 1999: 7). این در حالی است که در این متن کهن جز نام امشاسپندان و ایزد اشی - ایزد ثروت و خوشبختی - و نیز ایزد آذر، نام هیچ یک از ایزدان دیگر زردشتی به میان نیامده است (Taraporewala, 1950: 40). سروش در گاهان در میان امشاسپندان که بعدها در اوستای متأخر نقش محوری را در کیش مزدایی ایفا می‌کنند، قرار دارد (Dhalla, 1972:41). این ایزد همچون دیگر مفاهیم انتزاعی، اما تشخیص یافته، نشان دهنده جنبه‌ای از جنبه‌های اهوره‌مزدا و تجلی وجه فرمانبرداری او دانسته شده است (پورداد، ۱۳۰۷، ج ۱: ۵۱۶-۵۱۷). با این همه، نمی‌توان با قطعیت گفت که آیا فرمانبرداری در گاهان در همه موارد صرفاً (مفهومی انتزاعی است، و یا در مواردی نیز صورت تجسم یافته ایزدی آن مورد نظر است. (Dhalla, 1972, : 41-42). حضور سروش در گاهان، گمان برخی از ایران‌پژوهان را مبنی بر این که این ایزد ممکن است یکی از ایزدان شناخته شده در باورهای کهن ایرانی پیش از ظهور زردشت باشد، تقویت می‌کند (راشد محصل، ۱۳۸۲: ۱۴؛ کریستن‌سن، ۱۳۷۶: ۵۳). اگرچه سروش در گاهان هرگز در زمره امشاسپندان به شمار نیامده است، اما در کنار اشه، وهومنه و دیگر ایزدان زردشتی از جایگاه بلندی برخوردار است و از یاوران نزدیک امشاسپندان قلمداد می‌شود. او همچون سایر ایزدان، گاه به عنوان وجودی مجرد و گاه (به عنوان وجودی تشخیص یافته ظاهر می‌گردد (Malandra, npn) اهمیت سروش در گاهان سبب شده که گاه برخی از پژوهشگران در بیان سلسله مراتب ایزدان زردشتی او را هم‌ردیف امشاسپندان قرار دهند. اما واقعیت این است که او پس از اهوره‌مزدا و امشاسپندان، و در میان ایزدان زرتشتی جای دارد. به هر روی، سروش در میان دیگر ایزدانی که نام آنها در مرتبه‌ای مشابه مرتبه امشاسپندان آمده است، کهن‌ترین، اخلاقی‌ترین و بزرگترین آنهاست. همچنین سروش و اشی در گاهان زوجی را تشکیل می‌دهند (Taraporewala, 1950: 45) و اشاره شده است که سروش همراه با اشی به نیکوکاران و بدکاران پاداش و پادافره می‌بخشد (یسنه، هات ۴۳، بند ۱۲؛ بویس، ۱۳۸۸: ۳۲). زردشت در گاهان تنها از اهوره‌مزدا و کسانی که او کارهای خود را به یاری آنها انجام می‌دهد، یعنی امشاسپندان، سپتته‌مینو و سروش، سخن می‌گوید (Boyce, 1969: 10-34). به اعتقاد زینر، هنگامی

که امشاسپندان تقسیم شدند و در یک گروه فشرده قرار گرفتند، به تدریج تمامی اعتبار دینی خود را از دست دادند؛ به طوری که زردشتیان می‌توانستند آنها را به سادگی از آیینهای روزانه دینی خود کنار بگذارند، بدون آن که به ساختار و اهمیت این آیینها آسیبی وارد شود. در این میان دو ایزد هوم به عنوان ایزدی مجسم در یک گیاه و سروش به مثابه ایزدی که می‌شنود و اطاعت می‌کند، اهمیت ویژه‌ای یافتند (Zaehner, 1961: 96).

مفسران گاهان واژه سروش را در این متن غالباً به معنای د اهوره‌مزدا می‌دانند فرمانبرداری و اطاعت ترجمه می‌کنند و آن را همچون دیگر نامهای به کار رفته در گاهان، یکی از صفات متعدد اهورامزدا می‌دانند. از این رو، سروش در گاهان در اصل تجلی فرمانبرداری و اطاعت اهوره‌مزدا و مخالفت با کاهلی و بی‌نظمی است (راشد محصل، ۱۳۸۲: ۱۰). به بیان دیگر، سروش نشان دهنده فرمانبرداری در سنت دینی است؛ چنان که جکسن او را تجسم خدمت الوهی معرفی می‌کند (Dhalla, 1972: 41). زردشت در گاهان (هات ۲۸، بند ۵) از سروش با عنوان «تواناتر از همگان» یاد، و بیان می‌کند که در آرزوی دیدار سروش است. او در سرودی دیگر از اهوره‌مزدا می‌خواهد که «مرا آشکارا از برگماشتن آن ردِ درمان بخشِ زندگی بیاگاهان و [بگذار] «سروش» و «منش نیک» بدو و به هر کس که تو خود او را خواستاری، روی آورند.» (یسنه، هات ۴۴، بند ۱۶). زردشت همچنین از سروش به عنوان برترین موجود آسمانی می‌خواهد تا کمال نهایی جهان را بر او آشکار سازد. سروش ضامن اطاعتی است که انسان را به خداوند پیوند می‌دهد. از این رو می‌توان او را واسطه‌ای میان انسان و اهوره‌مزدا در کیش مزدایی، و طریقی که به خداوند و سرای او منتهی می‌گردد، به شمار آورد (Zaehner, 1961: 95). به طور کلی، واژه سروش در برخی از متون گاهانی در معنای اصلی آن یعنی فرمانبرداری، و نه روح تشخص یافته این فضیلت مجرد ظاهر می‌گردد (Dhalla, 1972: 42). آنچه که مسلم است، سروش شخصیتی آشکارا گاهانی است؛ اما یافتن تاریخی که از آن پس سروش دارای چنان اهمیتی شد که سرودی مستقل را در *اوستا* به خود اختصاص داد، دشوار و تا حدی غیر ممکن است (Boyce, 1982, vol. 1: 271; Moulton, 1972: 167).

### سروش در اوستای متاخر:

سروش در اوستای متاخر گاه در همان معنای گاهانی خود یعنی اطاعت و فرمانبرداری به کار می‌رود. اما به طور کلی می‌توان زمینه‌های شخصی سروش را از کاربردهای مختلف معنایی این واژه و نیز ترکیبهایی که در توصیف نام او به کار رفته است، دریافت (راشد محصل، ۱۳۸۲: ۱۲). نام سروش در اوستای متاخر اغلب در کنار امشاسپندان آمده است، از این رو برخی از پژوهشگران آن را از جمله امشاسپندان به شمار آورده‌اند (Moulton, 1972: 99). ایزد سروش به طور کلی سه بخش از اوستای متاخر را به خود اختصاص داده است. این سه بخش عبارت اند از: هات ۵۷ از یسنه که «سروش یشت سر شب» نام دارد؛ یشتی با عنوان «سروش یشت هادخت» و بخشی در خرده‌اوستا با نام «سروش باژ». سروش سر شب به سبب آن که مومنان زردشتی پیش از استراحت شبانه آن را تلاوت می‌کرده‌اند، بعدها به این نام شهرت یافت. این سرود خود شامل ابیاتی است که همچون بخشهایی از مهریشت به نظم درآورده شده است. سروش یشت سر شب از یسنه ۵۱ اقتباس شده و در طول چندین نسل بسط یافته است (Boyce, 1982, vol.2, :252-253). اما افزون بر این سه بخش مجزا، در بسیاری دیگر از بخشهای اوستا از سروش با اوصاف و عبارات ویژه‌ای یاد شده است. این ایزد در اوستا عمدتاً با عنوان مقدس (یسنه هات ۴، بند ۲؛ یسنه هات ۲۲، بند ۴؛ و سپرد، کرده ۷، بند ۱؛ و سپرد کرده ۱۱، بندهای ۶ و ۱۶؛ هرمزد یشت بند ۹؛ فروردین یشت، بند ۱۴۶؛ و ندیداد فرگرد ۹، بند ۵۶)، و با صفاتی چون نیک و پاداش دهنده (یسنه هات ۱۰، بند ۱؛ یسنه هات ۵۶، بند ۳)، توانا، پیروزمند و خوش اندام (یسنه، هات ۶۵، بند ۱۲؛ و سپرد، کرده ۱۶، بند ۱۶؛ و ندیداد، فرگرد ۱۹، بندهای ۱۵ و ۴۵؛ مهریشت، بند ۵۲)، دلیر و دارای اسلحه قوی آرنده و اهورایی، تهم و قوی بازو (یسنه، هات ۵۷، بندهای ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۳، ۳۳؛ سروش یشت هادخت، بندهای ۱، ۸، ۱۹، ۲۳)، چست و چالاک (یسنه، هات ۵۷)، پارسای برزمند پیروز گیتی افزای اشون (یسنه، هات ۵۷) توصیف شده است (نک: پورداود، ۱۳۰۷، ج ۱، ۵۱۷). او هرگز به خواب نمی‌رود و هوشیارانه از آفرینش اهوره‌مزدا

نگاهبانی و پس از فرو رفتن خورشید، سراسر جهان استومند را با سلاح آخته خود پاسبانی می‌کند. او در تمام مدت شبانه‌روز با دیوان مزدوری پیکار می‌کند. سروش خانه‌ای استوار، دارای صد ستون دارد که بر فراز بلندترین ستیغ کوه البزر بنا نهاده شده؛ خانه‌ای که درونش خود روشن، و بیرون آن ستاره آذین است. او امشاسپندان را با نیرو و دانایی و فرزانی خود به هفت کشور زمین آورد و به راستی آموزگار دینی به شمار می‌رود. او همچنین شایسته ستایش ایزد هوم دانسته شده است (یسنه، هات ۵۷، بندهای ۱۶-۲۳؛ سروش هادخت یشت، بند ۱۴). هیچ قربانی و نیایشی در نزد اهوره‌مزدا واجد ارزش و اعتبار نیست، مگر آن که ایزد سروش در آنجا حضور داشته باشد (یسنه، هات ۵۶). او نگاهبان پیمان آشتی میان دروندان و سپندترین اشونان است (سروش هادخت یشت، بند ۱۴).

بر اساس بندهایی از هات ۵۷ از یسنه، سروش گردونه‌ای دارد که چهار اسب تکاور، روشن، درخشان، پاک، هوشیار و بی‌سایه و با سمهای شاخی زرکوب آن را در پهنه مینوی به حرکت در می‌آورند. این تکاوران، از ابر و باد و باران و اسبان و مرغهای پران و تیر خوب پرتاب شده، تندترند. آنها سروش نیک اشون را می‌کشند و با دو رزم افزار فرا می‌رسند؛ از پی هر کس بتازند به او می‌رسند و کسی به آنها نمی‌رسد. سروش هر کسی را که بخواهد از شرق هند تا غرب جهان برمی‌گیرد و برمی‌اندازد (یسنه، هات ۵۷، بندهای ۲۷-۲۹).

از صفات بسیار مهم سروش در *اوستا* می‌توان به صفت «تنومثره» (یسنه ۵۷) یا تن-مثره (آن که بدن او از کلمات مقدس است) اشاره کرد. این واژه که در تفاسیر پهلوی *اوستا* به «تن‌فرمان» ترجمه شده است، به معنی کسی است که سراسر وجودش فرمانبرداری از اهوره‌مزداست. بر طبق ایمان مزدایی، مثره، روح مقدس اهوره‌مزدا یا قانون متعالیست که زردشت از طریق آن نیروهای شر را شکست می‌دهد (Baynes, 1906: 378; Kreybroek, 1999: 164). به نوشته پوردادود ترکیب واژه مثره به معنای کلام اهوره‌مزدا با واژه تنو یا تن صفتی بسیار برازنده برای ایزد سروش است، زیرا چنان که پیش از این نیز ذکر شد، سروش تجسم کامل فرمانبرداری از فرمانهای

اهوره مزداست (پورداود، ۱۳۰۷، ج ۱: ۵۱۷-۵۱۷). همچنین به موجب عباراتی در اوستا سروش در میان آفریدگان اهوره مزدا نخستین کسی است که زبان به ستایش اهوره مزدا و امشاسپندان گشود، گاهان را سرود، برسم را گسترد، آیینهای دینی را به جای آورد و به عنوان آموزگاری معنوی، آموزه‌های دینی را به مردمان آموخت (مهریشت، بند ۱۰۰؛ یسنه، هات ۵۷، کرده دهم، بند ۲۳ و کرده دوم بند ۶). به سبب ارتباط سروش با کلام الهی و ذکر، ابوریحان بیرونی در *آثارالباقیه* خود سروش را به عنوان نخستین کسی که مردم را به زمزه کردن امر کرد، معرفی کرده است (بیرونی، ۱۳۸۰: ۲۶۹-۲۷۰). از این رو، سروش به راستی تجسم آشکار کلام مقدس است؛ او به سبب تجسم یافتن در نیایشهای مومنان در همه آیینهای مقدس حضور دارد، و نیایشهای آنها را به آسمان می‌برد. در یسنه هات ۵۷ کرده نهم «فشوشومتثرة» پیروزمند و سراسر «یسنوکریتی» به عنوان رزم افزار پیروزمند و کارآزموده سروش معرفی شده‌اند. او همچنین با سلاح دعای معروف اهورنه‌وئیریه که مقدس‌ترین دعای زردشتی و یسن هفت‌هاتی به شمار می‌رود، دیوان و شیران را سرکوب می‌سازد (Zaehner, 1961 : 95; Dhalla, 1972 : 103). زردشت نیز به موجب همین کارکرد ویژه سروش و نیز به سبب قدرت اثربخشی فوق‌العاده‌ای که برای نیایش قائل بود، او را «ویسپه مزیشتم<sup>۱</sup>» به معنی «از همه بزرگتر» (یسنه، هات ۳۳، بند ۵) می‌خواند (Boyce, 1970 : 33). شاید از آن روی بود که روحانیان زردشتی بعدها جایگاه سروش را به هفتمین امشاسپند زردشتی ارتقا دادند و تاکید کردند که اهوره مزدا او را به عنوان جانشین خود بر روی زمین برگزیده، و مسئولیت مهم نگاهبانی از آدمی را به جای سپسته مینیو به سروش واگذار کرده است (Boyce, 1982, vol. 2:252-253).

بر اساس متون اوستایی متاخر، سروش دارای چند کارکرد ویژه است. یکی از کارکردهای مهم این ایزد بزرگ، نقش او در فرجام‌شناسی مزدایی است. سروش یکی از داورانی است که ارواح مردگان را بر روی پل چینوت داوری می‌کند. بر طبق باورهای زردشتی روان فرد پس از مرگ، به مدت سه شبانه‌روز در نزدیکی سر او می‌گردد و

<sup>۱</sup>. višpə.mazištəm

امیدوار است که بتواند بار دیگر به بدن فرد باز گردد. در این میان دیوان نیز در پی آنند تا آتشی را که بستگان فرد در گذشته در کنار پیکر او روشن کرده‌اند، خاموش کنند و جسم او را از بین ببرند. اگر فرد در زمان حیات خود سه مراسم شب را در پاسداشت ایزد سروش برگزار کرده باشد، این ایزد او را در سه روز نخست پس از مرگش تنها نمی‌گذارد. در سپیده‌دم روز چهارم، سروش روح فرد پرهیزگار را به سوی پل چینوت هدایت می‌کند (Dhalla, 1972 : 239; Choksy, 2002 :20). سروش عمل داوری پس از مرگ را به یاری دو ایزد دیگر یعنی میترا و رشن (یا رشنو) انجام می‌دهد؛ اما نام این دو درگاهان ذکر نشده است (Dhalla, 1963:62; Shaked, 1995 :13). در واقع، سه داور - سروش، میترا و رشن - بر روی پل چینوت در انتظار روح فرد در گذشته هستند تا اعمال او را با ترازویی که هرگز اشتباه نمی‌کند، وزن کنند (موله، ۱۳۶۳: ۱۰۷). در فرجام‌شناسی زردشتی، سروش در سمت راست میترا، و رشن در سمت چپ او جای دارد (Duchesne-Guillmin, 1969:27; Shaked, 1995:10-11). این سه ایزد بنا بر آموزه‌های زروانی نیز می‌کوشند تا نگذارند پیمان میان اهرمزد و اهریمن شکسته شود (Zaehner, 1955: 102-103).

از دیگر خویشکاری‌های سروش به عنوان ایزد نگاهبان نظم و انضباط، می‌توان به نظارت بر جهان مادی و نظم بخشیدن به آن اشاره کرد. او مردمان را به ویژه در هنگام شب و زمان فعالیت دیوان پاسبانی می‌کند و آنان را از بدی دیوان و آسیبهای آنها حفظ می‌کند. سروش پیوسته مراقب است که همهٔ امور در جهان مطابق قاعده و نظم ویژهٔ آن انجام شود؛ از این رو این ایزد در مراسم خاصی که با سرودن یسنه همراه است، به صورت یک موبد یا سروش ورز<sup>۱</sup> که وظیفه حفظ نظم مراسم را برعهده دارد، ظاهر می‌گردد (موله، ۱۳۶۳: ۵۶).

از وظایف مهم سروش نبرد دائمی با سه دیو مهم زردشتی یعنی ائشمه<sup>۲</sup> (خشم)، دروج (دروغ) و آز<sup>۱</sup> (حرص و آز) است (Duchesne-Guillmin, 1969: 344).

<sup>۱</sup> . sraosavarz



(Sundermann, 2008: 159) در تفکر زردشتی متاخر - عمدتاً در متون پهلوی - دیو از اهمیت کیهانی ویژه‌ای کسب می‌کند. اهریمن به یاری او در صدد بر می‌آید تا آفرینش اهوره‌مزدا را ویران و تباہ سازد. در این میان آرزوهای موجودات را به خوردن و آشامیدن بسیار وامی‌دارد و با اعمال خود سبب می‌شود تا انسانها از اهداف معنوی خود دور شوند. اما در واپسین قرنهای پیش از فرشکرد، قدرت او بر موجودات نقصان خواهد یافت، آنها دیگر نیازی به خوردن و آشامیدن نخواهند داشت و مرگ دیگر تهدیدی برای آنها نخواهد بود. از این رو، دیو آرزو که دیگر از میان آفریده‌های اهوره‌مزدا لقمه‌ای نمی‌یابد، و به بلعیدن آفریده‌های اهریمن روی می‌آورد، سرانجام توسط سروش که رقیب سرسخت اوست، سرکوب می‌شود (موله، ۱۳۶۳: ۶۰).

سروش همچنین با رزم‌افزار کار ساز خود دیو خشم را زخمی و ناتوان می‌سازد (یسنه، هات ۵۷، بند ۱۰). در سنت متاخر، سروش سرور گیتی است، همچنان که سرور دانا - اهوره‌مزدا - سرور جهان مینوی است؛ و همان طور که سرور دانا از روان مخلوقات محافظت می‌کند، سروش نیز نگاهبان و حامی تن آنهاست. از این رو، او پس از غروب خورشید بر روی زمین نازل می‌شود و با ائشمه که دشمن فانی جامعه زردشتی و رقیب همیشگی اوست، پیکار، و از جهان در مقابل نیروهای ویرانگر این دیو محافظت می‌کند. او سه بار در طول روز و سه بار در طول شب بر زمین فرود می‌آید و روح شر یا انگره مینویو، دیو خشم و دیوان‌مزدی را شکست می‌دهد و بار دیگر پیروزمندانه به مجمع امشاسپندان در آسمان باز می‌گردد (Zaehner, 1961: 102-103; Dhalla, 1972: 95-96).

مبارزه سروش با دیو خشم در وندیداد به یاری خروس انجام می‌پذیرد. خروس سحرگهان از سوی سروش مامور می‌شود که بانگ برداشته و مردم را برای ستایش اهوره‌مزدا بیدار کند. از این رو، خروس که در سپیده دم نوید سپری شدن تاریکی، نابودی دیوان و برآمدن خورشید و روز را می‌دهد، در نزد زردشتیان پرنده‌ای مقدس به شمار می‌آید و خوردن گوشت آن را جایز نمی‌دانند (وندیداد، فرگرد ۱۸، بندهای ۲۳ تا ۲۶؛

<sup>2</sup>. Aēšma

<sup>3</sup>. Āz/Āzi

پورداود، ۱۳۰۷، ج ۱: ۵۲۰-۵۲۲). بنابراین، خروس که در اوستا پرودرش (به معنی پیش‌بین) نام دارد، نماینده ایزد سروش بر روی زمین، و مرغ ورجاوند ایزدی است و خویشکاری او بیدار کردن مردمان در سپیده دم و ناچیز کردن پتیارگی بوشاسپ دیو (یا دیو بوشیاست) - به معنی با دستهای دراز، و نماد تنبلی سحرگاهی - است (دوستخواه، ۱۳۹۳، ج ۲: ۹۵۶-۹۵۷؛ موله، ۱۳۶۳: ۶۰). در فرگرد هجدهم وندیداد آمده است نخستین کسی که پس از شنیدن بانگ خروش از جای برخیزد، پیش از همه به بهشت می‌رود، و کسی که «نخست با دستان پاک شسته، هیزم پاک نزد آتش - پسر اهوره مزدا - برد، آتش از او خشنود شود و بر او خشم نگیرد...» (وندیداد، فرگرد ۱۸، بند ۲۶). شایان ذکر است که آتش اجاقدان نیز به سبب یاری سروش به بخش سوم شب و همچنین به دلیل در امان نگاهداشتن آن در مقابل دیو آز، به نام سروش خوانده می‌شود (Dhalla, 1972 : 103)، که این امر خود بیانگر ارتباط میان سروش و اشه وهیشته، امشاسپند موکل بر آتش است (Kreybroek, 1999: 118).

یکی دیگر از دیوانی که سروش همواره با آن مبارزه می‌کند، دیو دروج است. این دیو که نماد بدکاری و نافرمانی، بی‌نظمی و مخالفت با خواسته‌های اهوره مزداست، در اوستا آشکارا در مقابل ایزد سروش قرار گرفته است. در فرگرد هجدهم وندیداد سروش پارسا که مسلح به گرز آخته است، از «دروج تیره روز و تبهکار» درباره سبب خشنودی وی، و افزایش دروغ از طریق گناهان مردم، و راههای از میان بردن آنها، پرسشهایی مطرح می‌کند و آن دیو از روی دژ آگاهی و نادانی رازهای از میان بردن پلیدی و ناپاکی را برملا می‌سازد (وندیداد، فرگرد ۱۸، بندهای ۳۰-۶۰؛ پورداود، ۱۳۰۷، ج ۱: ۵۱۹).

در اوستای متاخر سروش برخی از خویشکاری‌ها و اوصاف ایزد مهر را به عاریه گرفته است. برای نمونه، پاسداری پیمان میان دو مینوی نیک و بد از وظایف میترا است که به سروش انتقال یافته است؛ یکی دیگر از این ویژگی‌ها: فات جنگجویانه سروش و نقش پاسداری از پرهیزگاران در طول شبانه‌روز و ستیز بی‌رحمانه با نیروهای تاریکی در شب است (بنونیست، ۱۳۵۰: ۸۵). به این ترتیب، بر اثر تحول خویشکاریهای سروش، این ایزد که در گاهان ایزدی صلح‌دوست به شمار می‌آمد، در دوره‌های بعد به پیروی از میترا به

عنوان ایزدی جنگجو مطرح، و بندهایی از سروش یسن بدون هیچ تغییری در مهریشت نیز تکرار می‌شود (کریستن سن، ۱۳۷۶: ۶۱؛ راشد محصل، ۱۳۸۲: ۱۲-۱۳). اما با وجود پیوستگی این دو ایزد به یکدیگر، هر یک از آنها در اوستای متاخر، سرودهای نیایش مخصوص به خود، و نیز پیشکش‌های ویژه خود را دارند (Boyce, 1982, vol.2: 203).

افزون بر بخشهایی از اوستا که به سروش اختصاص یافته‌اند و به تفصیل از آنها سخن گفته شد، باید به دعایی در خرده‌اوستا موسوم به سروش‌باژ اشاره کرد. این بخش قطعه‌ای نسبتاً متاخر اما دربرگیرنده برخی از قطعات قدیم اوستا از قبیل بند ۱۶ از هات ۴۴ یسنه (به استثنای عبارت نخست آن)، و بند ۷ از اشتودگاه (هات ۴۶) و جزء آن است (پورداود، ۱۳۰۷، ج ۱: ۵۲۴؛ اوشیدری، ۱۳۷۱: ۳۲۸). نکته در خور توجه در این دعا آن است که نام اهوره‌مزدا از ابتدای آن حذف شده است. دیگر این که این دعا در میان زردشتیان بیش از دعا‌های سایر ایزدان، یعنی علاوه بر همه گاهها، در سه روز پس از مرگ، در همه مراسم سالگرد درگذشت و در بسیاری از مواقع و مناسبت‌های دیگر، تلاوت می‌شود (Boyce, 1969: 33). زردشتیان همچنین در هنگام تشییع پیکر فرد درگذشته بخش آغازین سروش‌باژ را زمزمه می‌کنند. افزون بر این، آنها موظفند تا پایان مراسم یعنی هنگام گذاشتن جسد در معرض هوا، سکوت اختیار کنند؛ آن‌گاه بخش پایانی سروش‌باژ را زمزمه کنند و امیدوار باشند که فرد درگذشته از آن پس در حمایت ایزد سروش خواهد بود (Boyce, 1982, vol.1: 328-329). آغاز و پایان سروش‌باژ مانند بسیاری از دعا‌های دیگر زردشتی به زبان پازند است. این دعا در بامداد پس از برخاستن از خواب خوانده می‌شود؛ از این رو به آن «نیرنگ دست و شو» نیز گفته می‌شود. با توجه به اهمیت و جایگاه برجسته این ایزد در باورهای عامه زردشتیان، کلیه دعا‌های زردشتی با سروش‌باژ آغاز می‌گردد (اوشیدری، ۱۳۷۱: ۳۲۷-۳۲۸). زردشتیان همچنین در جشن‌های مهم موسوم به آفرینگان که در بزرگداشت روان درگذشتگان برگزار می‌شود، در جشنی به نام سروش‌درون پیشکشهایی را شامل قرص‌های نان به ایزد سروش تقدیم می‌کنند (Lehmann, 1980: 455).

### سروش در متون پهلوی:

در *ارداویراف‌نامه* که گزارشی پهلوی از سفر روحانی یکی از موبدان زردشتی به نام ارداویراف به ماوراء زمین و شامل توصیفی از بهشت و جهنم است (Gignoux, 1987:356-357)، ارداویراف به همراهی ایزد سروش و ایزد آذر از مناطق مختلف عوالم پس از مرگ عبور کرد و پس از هفت روز به زمین و جسم خود بازگشت. بنا بر روایت ارداویراف، سروش پاک و ایزد آذر در نخستین شب از سفر او به استقبال وی آمدند و او را به سوی پل چینوت هدایت کردند ... او به یاری این دو ایزد به آسانی، بی باکانه و پیروزمندانه از این پل عبور کرد و ... به جانب بهشت، همیستگان و دوزخ رهسپار شد (ارداویراف‌نامه، ۱۳۴۲: ۲۹-۳۰). ارداویراف در تمام مراحل سفر خود سوالاتی از ایزد سروش و ایزد آذر می‌پرسد و آنها نیز به عنوان راهنمای این سفر روحانی پاسخهایی به او می‌دهند. سروش افزون بر خویشکاری خود در *ارداویراف‌نامه*، در روایتی از معراج کرتیر، موبد بزرگ دوره ساسانی، نیز نقش مهمی را ایفا می‌کند. این ایزد، کرتیر را در گذشتن از پل چینوت همراهی می‌کند (تفضلی، ۱۳۷۰: ۷۳۴-۷۳۵).

ایزد سروش در *بندهش* با عباراتی چون «خدای پرهیزگار دلیر تن بفرمان شگفت‌زین» توصیف می‌شود و در نقش یاری‌رساننده به اشه‌وهیسته یا اردیبهشت و عنصر مادی آن در جهان - آتش - ظاهر می‌گردد؛ چنان که او به یاری بهرام در دوران غلبه اهریمن بر جهان، آتشی را که مردم در خانه‌های خود برمی‌افروزند، پاسبانی می‌کند و آن را روشن نگاه می‌دارد (بندهشن، ۱۳۸۰: ۴۹، ۹۱ و ۱۱۲). *بندهشن* ایزد سروش را در شمار یکی از امشاسپندان قرار می‌دهد. در این متن هر یک از این تجلیات اهوره‌مزدا در جهان دارای گلی است، که از آن میان می‌توان به گل خیری سرخ که سروش موکل بر آن است، اشاره کرد (همان، ۸۸). در *بندهش* نیز همچون بسیاری دیگر از منابع مکتوب زردشتی به دشمنی دیو خشم با سروش، اشاره شده است. افزون بر این، به موجب گزارش *بندهش*

کل زمین یا به طور خاص تر، مناطقی با نام ارزه<sup>۱</sup> (در جانب مشرق) و سوه<sup>۲</sup> (در جانب مغرب) منزلگاه سروش دانسته شده‌اند (بندهشن، ۱۳۸۰: ۱۱۲؛ مینوی خرد، ۱۳۸۰: ۶۹-۷۰). در این متن بار دیگر بر کارکرد سروش در وقایع پس از مرگ تاکید شده و آمده است که روان درگذشتگان در پناه این ایزد به چینودپل می‌رسد؛ از این روی، «(به) هفت کشور، هفت سال ایشان را یزش درون و آفرینگان همه از آن سروش کردن (باید)» (همانجا).

از دیگر خویشکارهای سروش در متون پهلوی می‌توان به نقش مهم او در فرجام‌شناسی زردشتی اشاره کرد. به موجب متن *زندبهمن‌یسن*، اورمزد در دوره هوشیدرماه به ایزد سروش و نریوسنگ دستور می‌دهد که تن گرشاسب سام را بجنباندند تا برخیزد. پس آن گاه ایزد سروش و نریوسنگ به سوی گرشاسب می‌روند و سه بار بانگ می‌کنند، و مرتبه چهارم گرشاسب برمی‌خیزد و به نبرد با اژدهاک می‌رود (*زندبهمن‌یسن*، ۱۳۷۰: ۱۸-۱۹).

در *مینوی خرد* با عباراتی مشابه بندهش به خویشکاری سروش به عنوان نگاهبان گیتی و یاری‌گر روان در گذشتگان در عبور از پل چینوت اشاره شده است (*مینوی خرد*، ۱۳۸۰: ۱۱۲). به موجب این روایت، در بامداد روز چهارم پس از مرگ روان به همراهی سروش مقدس، وای نیک و بهرام نیرومند، و با مخالفت استودها، وای بد، فرزشت دیو، نزیشت دیو و با بدخواهی خشم بدکار دارنده نیزه خونین، به پل چینوت که پلی بلند و سهمگین است، می‌رسد و اعمال او با میانجیگری مهر و سروش و رشن سنجیده می‌شود. هنگامی که روان پارسایان به پل چینوت می‌رسد، این پل به پهنای یک فرسنگ گسترده می‌شود و آنها به یاری سروش و به کامیابی از آن می‌گذرند (همان: ۲۴-۲۶). در این متن و در ذکر وقایع آخرالزمان، سروش به عنوان موبد راسپی که کمر بند مقدس زردشتی \_ ایونگهان \_ را در دست دارد، معرفی و تاکید شده است، همان گونه که هرمزد با اهریمن، و بهمین با اکومن پیکار می‌کند، سروش پرهیزگار نیز به نبرد با خشم خونین درفش می‌آید؛ پس از

1. Arzah

2. Savah

پایان نه هزار سال اهریمن از فعالیت باز داشته می‌شود و سروش مقدس دیو خشم را در هم می‌شکند (همان: ۱۴۱، ۳۱). افزون بر این، مینوی خرد سروش را دشمن دیو دروج، و از میان آفریدگان مادی، خروس و سگ را در از میان بردن دیو دروج به عنوان یاری رساننده سروش در از میان بردن این دیو زیانکار معرفی می‌کند (مینوی خرد، ۱۳۸۰: ۱۰۳).

در گزیده‌های زادسپرم نیز همچون دیگر متون پهلوی از سروش با صفت پرهیزگار یاد، و وظیفه مهم او پاسبانی کردن از خفتگان در هنگام شب برشمرده شده است (گزیده‌های زادسپرم، ۱۳۶۶: ۱۶). سروش به روایت گزیده‌های زادسپرم، مینوی تعادل دانسته، و تصریح شده است که افراط و تفریط دیو آز همواره دشمن اوست. در فرسکرد، تا زمانی که دیو آز با دیوان دیگر متحد باشد، اورمزد نمی‌تواند اهریمن را شکست دهد. اورمزد به یاری سروش پرهیزگار با اهریمن و سپاه وی می‌جنگد؛ هنگامی که اهریمن دیگر با آز متحد نباشد، با سه دشمن سرسخت رو در رو می‌شود: اورمزد و سروش که از یک گوهرند، و آز که هم سرشت وی و پیش از این متحدترین همدست او بود. هنگامی که یآوری آز با اهریمن به دشمنی با وی مبدل گردد، اورمزد و سروش پیروز خواهند شد (همان: ۶۱).

به روایت دینکرد، نخستین زمان پس از اوشهین‌گاه<sup>۱</sup> - دقیقاً زمان پس از نیمه شب - به طور خاص به سروش تعلق دارد (Kreynebroek, 1999: 117). در این متن همچنین سروش به همراهی وهومنه، سپندارمذ و گاهی نیز ارد، مسئول نگهبانی از ذهن انسان و نظارت بر آن دانسته شده است. او نگاهبان پرهیزگاران و دستوران دین است که از ایمان زردشتی در مقابل بدعت‌های موجود دفاع می‌کنند (Kreynebroek, 1999: 124-125). کارکرد سروش به منزله «سرور جهان مادی»، دستور و خدای نیایش در متون پهلوی، بر نقش او به عنوان میانجی و واسطه‌ای میان جهان مادی و مینوی تاکید می‌کند (Kreynebroek, 1999: 129).

<sup>۱</sup> . Ushhin-gah

در یکی از اندرنامه‌های پهلوی به نام گزیده «*اندرز پوریوتکیشان*» یا «*پندنامه زرتشت*»، نیز به نیروی سروش در نابود کردن دیو خشم اشاره شده است. در این متن آمده است که «آز به خرسندی، و خشم به سروش، رشک به نیک چشمی، نیاز به کم‌خواهی، جنگ به آشتی و دروغ به راستی بزنید» (گزیده *اندرز پوریوتکیشان*، بی تا: ۱۹). در متن دیگر پهلوی موسوم به *شایست ناشایست* نیز خواندن یشت‌درون در ستایش سروش، و نیز تلاوت سروش‌یشت پس از درگذشت فردی از افراد خانواده برای رهانیدن پیکر فرد از آسیب دیوان، تاکید شده است (شایست ناشایست، ۱۳۶۹: ۱۸۹). در تقویم زردشتی هفدهمین روز هر ماه به ایزد سروش اختصاص یافته و پاسداری از آن به او سپرده شده است (Boyce, 1982, vol. 2:246).

#### نتیجه:

سروش یکی از مهمترین ایزدان دین زردشتی است که نام آن هم در متون کهن گاهانی و هم در متون متاخر اوستایی آمده است. از مهمترین خویشکاری های این ایزد می‌توان به نقش موثر او در فرجام‌شناسی مزدایی اشاره کرد؛ او در این نقش در کنار دو ایزد میترا و رشن امر خطیر داوری روان فرد درگذشته را برعهده دارد. سروش به عنوان ایزد اطاعت و فرمانبرداری واسطه‌ای میان اهوره‌مزدا و آفرینش او به شمار می‌رود، او کلام اهوره‌مزدا را می‌شنود و آن را به انسانها منتقل می‌کند. یکی دیگر از کارکردهای مهم او مبارزه پرشور وی با پلیدترین و نابکارترین دیوان زردشتی یعنی دیو دروج، دیو خشم و دیو آز است؛ چنان که بخشهایی از *اوستا* و نیز بیشتر متون پهلوی به این کارکرد سروش اشاره کرده‌اند.

## منابع

- ۱- ارداویراف‌نامه (۱۳۴۲ش). به کوشش رحیم عفیعی. مشهد، دانشگاه مشهد.
- ۲- اوستا (۱۳۹۲ش). به کوشش جلیل دوستخواه. تهران، مروارید.
- ۳- اوشیدری، جهانگیر (۱۳۷۱ش). دانشنامه مزدیسنا. تهران، نشر مرکز.
- ۴- بندهشن (۱۳۸۰ش). به کوشش مهرداد بهار. تهران، توس.
- ۵- بنویست، امیل (۱۳۵۰ش)، دین ایرانی، بر پایه متنه‌های کهن یونانی، ترجمه بهمن سرکاراتی، تبریز، دانشگاه تبریز.
- ۶- بویس، مری (۱۳۸۱ش). «ریشه‌های فلسفه زرتشتی»، جستاری در فلسفه زرتشتی. ترجمه سعید زارع و دیگران، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- ۷- بیرونی، ابوریحان (۱۳۸۰ش)، آثارالباقیه عن القرون الحالیه، به کوشش پرویز اذکایی. تهران، میراث مکتوب.
- ۸- پورداد، ابراهیم (۱۳۰۷ش). ادبیات مزدیسنا. بمبئی، انجمن زردشتیان ایرانی.
- ۹- تفضلی، احمد (۱۳۷۰ش). «کرتیر و سیاست اتحاد دین و سیاست در دوره ساسانی»، یکی قطره باران (جشن نامه دکتر عباس زریاب خویی)، به کوشش احمد تفضلی. تهران، چاپخانه مهارت.
- ۱۰- دوستخواه، جلیل، (۱۳۹۲ش). پیوسته‌های اوستا، به کوشش جلیل دوستخواه. تهران، مروارید.
- ۱۱- راشد محصل، محمدتقی (۱۳۸۲ش). مقدمه بر سروش یسن. تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۲- زند بهمن یسن (۱۳۷۰ش). به کوشش محمدتقی راشد محصل، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۱۳- شایست ناشایست (۱۳۶۹ش). ترجمه کتابیون مزداپور، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۱۴- کریستن سن، آرتور (۱۳۷۶ش). مزدپرستی در ایران قدیم. ترجمه ذبیح الله صفا. تهران، هیرمند.
- ۱۵- گزیده اندرز پوریوتکیشان (بی‌تا). ترجمه ماهیار نوابی. تبریز، دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز.
- ۱۶- گزیده‌های زادسپرم (۱۳۶۶ش). ترجمه محمدتقی راشد محصل. تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۱۷- موله، ماژیران (۱۳۶۳ش)، ایران باستان، ترجمه ژاله آموزگار، تهران، توس.



۱۸- مینوی خرد (۱۳۸۰ش)، به کوشش احمد تفضلی. تهران، توس؛

- 19- Baynes, H. (1906). "The History of the Logos", in *Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland*, pp. 373-385.
- 20-Boyce, M. (1982). *A History of Zoroastrianism*. Leiden, E. J. Brill.
- 21-Boyce, M. (1969). "On Mithra's Part in Zoroastrianism", in *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*. London, Vol. 32, No.1, pp. 10-34.
- 22-Boyce, M., "Zoroaster the Priest", in *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, London, Vol. 33, No. 1, pp. 22-38.
- 23-Choksy, J. K. (2002). *Evil, Good, and Gender*. Now York, Peter Long.
- 24-Dhalla, M. N. (1963). *History of Zoroastrianism*. New York, Oxford University Press.
- 25-Dhalla, M. N. (1972). *Zoroastrian Theology*. Now York, Ams Press.
- 26-Duchesne-Guillmin, J. (1973). *Religion of Ancient Iran*. Bombay, Tata Press LTD.
- 27-Gignoux, Ph. (1987). "Arda Wiraz", in *Iranica*. London, Routledge.
- 28-Kreyenbroek, G. (1999). *Sraosa in the Zoroastrian Tradition*. Bombay, Athravan Educational Trust Publication.
- 29-Lehmann, Ed. (1980). "Ancestor-Worship, Iranian", in *Encyclopedia of Religion and Ethics*, ed: J. Hastings. England, Charles Scribner's sons.
- 30-Malandra, W.W., "Sraosa", in *Iranica*, [www.iranicaonline.org/articles/sraosa](http://www.iranicaonline.org/articles/sraosa).
- 31-Modi, J. J. (1979). *The Religious Ceremonies and Customs of the Parees*, Bombay, British India Press.
- 32-Moulton, J. H. (1972). *Early Zoroastrianism*. London, Philo Press.
- 33-Shaked, Sh. (1995). *From Zoroastrian Iran to Islam*. Great Britain, Variorum.
- 34-Sundermann, W. (2008). "Zoroastrian motifs in Non- Zoroastrian Traditions", in *Journal of the Royal Asiatic Society*, Cambridge, Vol. 18, No. 2, April, pp. 155-165.
- 35-Taraporewala, I. J. S. (1950). *The Religion of Zarathushtra*. Tehran, Sazman-E-Faravahar.
- 36-Zaehner, R. C. (1961). *The Dawn and Twilight of Zoroastrianism*, London, Weldenfeld And Nicolson.
- 37-Zaehner, R. C. (1955). *Zurvan, A Zoroastrian Dilemma*. Oxford, Clarendon Press.